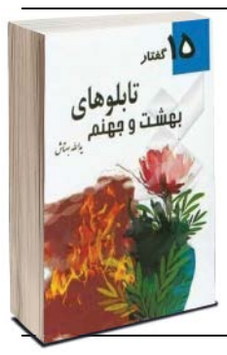
تابلوهای زیبایی بهشت و ترسناکی دوزخ

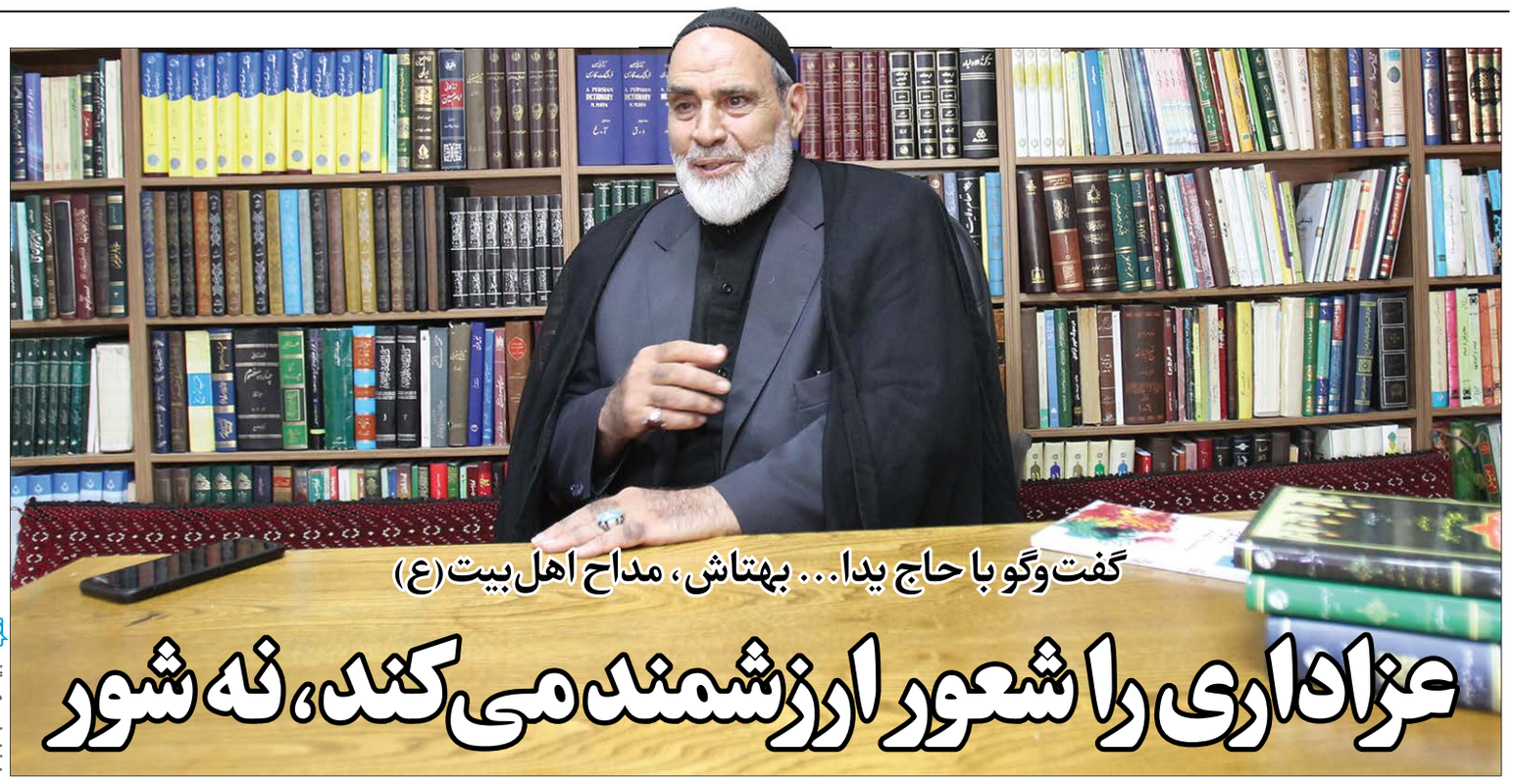
یکی از تالیف‌های حاج یدا... بهتاش(تابلوهای بهشت و جهنم) به روشنگری درباره راه‌های بهشتی‌شدن و دوزخی‌نشدن پرداخته و با پرداختن به احادیث و سنت اهل بیت، کوشیده است خواننده را به راه‌های بهشتی شدن فرابخواند و از افتادن در گمراهه‌های جهنم بازدارد.

ساختار کتاب برآمده از حدیث معراج پیامبر و هشت در بهشت و درهای هفتگانه دوزخ است. نویسنده در ۱۵ بخش به ترسیم راه‌های بهشتی شدن از منظر اهل بیت و قرآن پرداخته و به پرهیز دادن مخاطبان از رفتارها و گناهانی پرداخته که به بیان روشنگر اهل بیت، باعث می‌شوند عامل به چنان کارهایی، خواه‌ناخواه به دوزخ درآید و کیفر ببیند.

به فرموده پیامبر بر نخستین درگاه بهشت مینو نوشته شده: «از چهار راه می‌توان رسیدن به آسایش را ممکن ساخت؛ قناعت، بذل حق، ترک کینه، نشست و برخاست با نیکان و نکوکاران. سپس نویسنده به شرح احادیث پرداخته و با بیانی گیرا و روان توانسته مخاطبانش را با روح سخن اهل بیت آشنا سازد.» به فرموده پیامبر بر درگاه پنجمین در دوزخ نوشته‌شده: «از خواهش‌ها و دلبخواه‌ها پیروی ننما، زیرا برخلاف باور دینی و ایمان است. زیاده‌گو نباش و از سخن گفتن در امور بیهوده بپرهیز، زیرا تو را از رحمت خدا دور می‌سازد و از چشم محبتش می‌اندازد و هرگز همکار و کمک‌کار ستمگران نباش.» لطف این کتاب به آن است که در فرازهایی به مناسبت داستان‌هایی آموزنده از بزرگان اسلام و محدثان معتبر آورده و بر تاثیر کلامش افزوده است.



جام جم
گفت وگو
interview
۱۵
سه‌شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ شماره ۶۲۸۴



گفت‌وگو با حاج یدا... بهتاش، مداح اهل بیت(ع)

عزاداری را شعور ارزشمند می‌کند، نه شور



علی مظاهری
روزنامه‌نگار

نه فقط ایران بلکه مستمع‌های حاج یدا... بهتاش از ژنو سوئیس تا جنوای ایتالیا و هایدپارک لندن و... منبرهایش را شنیده و از رهنمودها و سخنانش بهره برده‌اند، زیرا فقط به اشک گرفتن و شوراندن عواطف و انقلاب احساسات گذرا بسنده نکرده بلکه به معرفت‌افزایی و ژرفایی بینش‌ها نیز توجه داشته است. شهریور۹۹ که مخاطبان روزنامه، مهمان هم‌سخنی‌شان بودند این نکته را که گفت: به سلمان فارسی غبطه می‌خورم؛ آرزوی قلبی همه‌مان را گفت خوشا نه فقط مسلمان بودن، بلکه خوشا سلمان منا اهل‌بیت شدن و خوشا سلمان محمدی شدن. بی‌شک چنین آرزویی فقط از طریق «مصباح الهدی و سفینه النجات» حسینی ممکن است. در فرازهای پیش رو، پی‌جوی همان پاسخ‌هایی هستیم که پرسش بسیاری از مخاطبان است. پرسش‌ها و دغدغه‌هایی که در بخش «راهبرد» همین برگه به آنها اشاره رفته است. از این رو به جای تکرار پرسش‌ها و افزودن حجم مطلب با میان تیتر فضای فرازها و ساحت سخن به مخاطبان فرهیخته نمایانده شده. یا علی مدد!

ویژگی‌های مداح و مداحی

مرحوم محدث نوری، استاد شیخ عباس قمی، کتاب «پله اول و دوم منبر» را با استناد به احادیث برای مداح‌ها نوشته است؛ مثلا در این‌باره که ثواب گریه‌کردن و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت و برپایی مجالس امام‌حسین چقدر زیاد است و چه برکاتی دارد اما در ادامه تاکید می‌کند این ثواب‌ها و فیض‌ها شرط دارد!

برپاکردن هر مجلس روضه‌ای، هر گریاندن و گریه‌ای که ثواب ندارد، محدث نوری دو شرط را برای پذیرش این برگزاری‌ها و روضه‌ها لازم دانسته است؛ اول «خلوص» یعنی کار برای رضای خدا باشد و بس! برای مطرح کردن خدا و اهل‌بیت باشد، نه مطرح کردن خود زیرا آنچه به این کارها بها و ارزش می‌دهد همانا خلوص در عمل است که مثل ویتامین غذا و عیار طلاست، هرچه خالص‌تر باشد ارزشمندتر می‌شود.

دومین شرط از نظر صاحب مستدرک، «راست‌گفتاری و صداقت» است به این معنا که با مردم، روراست باشیم، روضه‌های درست و راست بخوانیم و به اهل‌بیت، نسبت‌های دروغ و ناجا ندهیم.

مرحوم محدث نوری با سفارش این دو مطلب به روضه‌خوان و روضه‌به‌پاکن تاکید کرده، اگر می‌خواهید روضه‌ها ارزشمند باشد، باید این دو مهم در برگزاری‌ها رعایت شود.

خاطره مقام معظم رهبری

این نکته هم گفتنی است که محب باید رضایت محبوبش را جلب کند. ما امام حسین(ع) را دوست داریم و محب ایشانیم؛ پس باید ببینیم ایشان چه کارهایی را دوست دارد، همان‌ها را انجام دهیم.

امام باقر(ع) (جلد دوم کافی) فرمودند: همه گناهان قفل دارد و کلیدشان شراب است اما دروغ از شراب بدتر است.

یکی از جلساتی که خدمت مقام رهبری منبر رفتم، این حدیث را خواندم و ایشان گفتند خوب بود، خوب بود خیلی خوب بود! با همین الفاظ.

شب عاشورا امام حسین(ع) به حضرت عباس(ع) فرمودند: «برادر! خدا خودش می‌داند من چهار چیز را خیلی دوست دارم. نمازگزاری، خواندن قرآن، استغفار، دعا و نیایش.»

من که محب اهل بیت هستم، نیاز نیست جای دیگری بروم؛ خودشان دوستی و دشمنی‌شان را شناسانده‌اند، این تولی و تبری‌ها باید در زندگی محبان امام حسین(ع) پررنگ شود.

بایدها و نبایدهای عزاداری

در این باره نکاتی هست که نمی‌شود نوشت و گفت، مثلا هیات‌هایی سراغ دارم که شروع عزاداری‌شان ازساعت ۲۳ است تا ۲ بامداد. با این خستگی‌ها شاید چندین نماز صبح قضا شود.

ما که امام حسین(ع) را دوست داریم، باید مجالس عزاداری را به گونه‌ای تنظیم کنیم تا آنهایی را که امام حسین(ع) دوست‌شان دارد از دست ندهیم، یعنی واجب را فدای مستحب نکنیم. به عبارتی، شورهای‌مان توام با شعور باشد تا عزاداری‌های‌مان با ارزش شود.

در محرم باید جامعه ما رنگ و بوی حسینی بگیرد. باید با همدیگر مهربان‌تر شویم، گذشت‌مان بیشتر شود و... اما می‌بینیم شب در هیات سینه می‌زند ولی صبح در خیابان همان است که بود با همان اخلاق نکوهیده و... در حالی که این چنین مجالسی باید تاثیرگذار و سازنده باشد.

الگوهای جامعه

در ایام تولد بی‌بی فاطمه زهرا(س) خدمت مقام معظم رهبری بودیم. ایشان فرمودند مردم فقط به خواندن شما نگاه نمی‌کنند به رفتار و کردار شما هم دقت دارند. یعنی لباس، تیپ و شمایل ما در مردم تاثیر دارد. برخی با لباس نامناسب... هرچند خوب می‌خواند اما چقدر تاثیر مثبت بر روی مستمع دارد. فرمود: قولوا للناس حسنا؛ با مردم پسندیده سلوک نما.

پوشش شایسته مجالس

حدیث داریم: لاتلبسوا لباس اعدائی. اول، سبک لباس پوشیدنم و شیوه زندگی‌ام را عوض می‌کند، بعد دینم را کم‌کم می‌گیرد. پیامبر که می‌فرماید مثل دشمنان ما لباس نپوشید و سلوک نکنید که اگر چنین کنید ... الان مارک‌هایی روی لباس مشکی می‌زنند که نمایانگر برخی گروه‌ها و افکارهاست. پس با همین لباس محرم می‌شود تبلیغات کرد. دشمن دارد کار می‌کند. وقتی از آن‌سوی مرز پول می‌فرستد برای برخی بانوان تا روزانه لباس نامناسب بپوشند، در شهر بچرخند و با مترو از پایین شهر به بالای شهر بروند...، ممکن است به کسانی پول بدهند تا با همان لباس‌های نامناسب به مجالس امام حسین(ع) نیز بروند و شئوناتش را بشکنند.

رم ایتالیا چند سالی دعوت داشتم، منبر می‌رفتم در واتیکان. اجازه نمی‌دادند زنانی که پوشش‌شان مناسب نبود، وارد شوند. تاکید داشتند محل، مقدس است و پوشش‌هایی تقریبا مثل چادر عربی برای بانوان اجباری بود.

شیوه مجلس گردانی پیرغلامان

مجالس عزاداری و شیوه نشستن در آنها و رعایت ادب و آداب مجلس، همیشه از سوی خود شرکت‌کننده‌ها و بزرگان مجلس رعایت و تاکید می‌شده. امروزه انگار چنین آدابی در برخی مجالس اتفاقا شلوغ رعایت نمی‌شود و جایگاهی ندارد. خود مداح هنگام خواندن از روی صفحه به بدنش تاب می‌دهد و...

ما باید با سخنان و سیره اهل بیت آشنا باشیم که متاسفانه نیستیم. در حالی که آن بزرگان راهنمایی‌مان کرده‌اند. من به مداح‌ها سفارش می‌کنم که دست‌کم باید شرح حال و سیره چهارده معصوم را از هرجهت مطالعه کنیم. امام صادق(ع) فرمودند: «زینت و جلوه ما باشید و باعث شرمساری ما نباشید» یا فرمودند: «بارفتارتان مردم را به دین فرابخوانید نه با سخنان‌تان.»

مرحوم علامه امینی را پسرش خواب دید (در کتاب جرعه‌نوش غدیر آمده) پرسید کدام اعمال شما به دادتان رسید. فرموده بود: «زیارت امام حسین(ع)» و سفارش کرده بود به زیارت کربلا و خواندن زیارت عاشورا. همین‌طور فرموده بود: «هرجا عزای امام حسین(ع) برپاست، همان جا شعبه‌ای از حرم آقاست.»

الان دارم وارد حرم آقا می‌شوم اینجا هم که شعبه‌ای از حرم است، لباس مناسب پوشیدن، معطر بودن، وضو داشتن، ادب را در راه رفتن و... از واجبات است.

دشمن و ایجاد انحراف و شبهه

اسلام ناب محمدی با عاشورا زنده مانده که دشمن می‌کوشد با ایجاد انحراف در مراسمات مذهبی ما را از راه حقه اهل بیت(ع) بازدارد.

آیت‌ا... سیداحمد خاتمی در کتاب «عبرت‌های عاشورا» با مدرک آورده که دشمنان اسلام برای پیشبرد برنامه و طرح‌هایشان بودجه سنگینی گذاشتند تا مجالس امام حسین(ع) را از روح راستین و هدایتگرش تهی کنند. یعنی مجالس باشد اما بی‌محتوا و بی‌انسان‌سازی باشد و آن مجالس را از محتوا و روح راستین اسلام ناب محمدی بیندازند.

با همین الفاظ تاکید کرده‌اند که روحانی و مداح جاه‌طلب را می‌شود غیرمستقیم تطمیع کرد مثلا فقط سینه بزنید، سخنران می‌خواهید چه‌کار یعنی از محتوا کم می‌گذارند و به‌جای معرفت‌افزایی به عواطف می‌پردازند و بس.

در شعرهایی که می‌خوانند به‌جای پرداختن به عبادت‌های اابالفضل و ایثار و مکارم اخلاقی‌شان به چشم و ابرو می‌پردازند با ترکیبات و واژگانی به‌شدت دور از شأن مردان مرد به‌ویژه چنین ابرمردی.

عقیده من این است که برخی از جوان‌ها و مداحان جدید بد نیستند منتها چون استاد ندیده‌اند ... غیرمستقیم تاثیراتی می‌گیرند که مثلا بعضی‌شان ماشین آنچنانی سوار می‌شوند و می‌گویند میدانی داریم که هدیه داده‌اند ... عرض کنم که غیرمستقیم اینها را شارژ می‌کنند. مبلغ هم دارند و ... مجلس بزرگ برپا می‌کنند اما خروجی ندارد! معرفت‌افزایی و پالایش روح و ... ندارد، فقط جوشش احساس است بدون بینش‌افزایی و معرفت‌اندوزی.

از نظر احساسی تخلیه می‌شوند ولی چنان‌که باید و شاید دریافت ندارند. ما باید آن فرهنگی را ترویج کنیم که امام حسین(ع) داشتند. خود عبادت‌هایشان فرهنگ ویژه‌ای است.

حق‌الناس

روز عاشورا پیش از آغاز جنگ (جلد۱۹ احقاق‌الحق، برگ۴۲۹) فرمود با صدای رسا اعلام کنند آنهایی که وامی به گردن‌شان هست نباید برای کمک بمانند. باید بروند قرض‌هایشان را ادا کنند. من از جدم رسول خدا شنیدم، روز رستاخیز حسنات کسی را که مدیون باشد به بستانکار می‌دهند.

یعنی امام حسین(ع) در روز عاشورا می‌گوید: به حقوق دیگران احترام بگذار. حق‌الناس به گردن‌تان نباشد؛ اینها درس‌های عاشورایی است. حضرت مسلم را که می‌خواهند شهید کنند تاکید می‌کند زرهم را بفروشید و بدهکاری‌ام را ادا کنید. سینه‌زن و گریه‌کن امام حسین(ع) باید به اینها توجه کند. طرف می‌گفت: چک سنگین در دست من داشته، من هم برنامه‌ریزی کردم. بعد زنگ می‌زند که چکم را بانک نبر، فعلا در پیاده‌روی اربعینم. من هم چه بگویم جز التماس دعا؟!

امام حسین(ع) روز عاشورا در آن شرایط از مدیون و بدهکار کمک نمی‌خواهند و بازپرداخت بدهی را ارجح می‌شمارند.

دستجات که بیرون می‌آیند به استثنای شب و روز عاشورا نباید مزاحمت ایجاد کنند. صداهای اضافه نباشد که مردم را بیازارد.

گره‌گشایی از مشکلات مردم

به قول آن بزرگوار، خوشا به حال کسانی که هم زنجیرمی‌زنند و هم زنجیر از پای گرفتارها باز می‌کنند. هم اشک می‌ریزند و هم اشکی از چشمان غم‌دیده‌ای پاک می‌کنند. هم سینه می‌زنند و هم سینه دردمندی را شفا می‌دهند. هم سفره می‌اندازند و هم نان از سفره کسی نمی‌برند. به اینها نیز باید توجه داشته باشیم.

امام حسین(ع) فرمود: کسی اگر از شما خواسته‌ای داشت، او را خدا فرستاده، او نعمت خداست، ناراحت و ملول نشو. ساده‌ترش این است که این بنده خدا التجا کرده، در خانه خدا رفته و خدا آدرس تو را به او داده، فرستاده خداست. حدیث هم داریم، پیغمبر فرمود: مسکین، فرستاده خداست. اینها از درس‌های عاشوراست.

معرفت و بینش

این‌ها اگر در مجالس گفته شود، مجالسی که حتی ۱۰هزار نفر مستمع و سینه‌زن دارد، واقعا این تعداد پس از مجلس باید عوض شده باشند اما می‌بینیم اجتماع ما و رفتارهایمان همان است که بود، چرا؟ برای این‌که مجالس‌مان خیلی خروجی ندارد.

گریه و تباکی برای امام حسین(ع)، برگزاری مجلس نوحه و زیارت عاشورا و ... تاکید شده، ما هم انجام می‌دهیم، ولی هدف فقط اینها نیست. گریه‌کردن و سینه‌زدن فقط نهایت این برگزاری‌ها نیست بلکه اینها وسیله و پیش‌زمینه است برای این‌که «معرفت‌افزایی» شود.

دشمنان دارند کار می‌کنند و به‌جای سینه‌زدن، قمه‌زنی را ترویج می‌کنند. به زنجیرها میخ می‌بندند ... دشمنان هم از این کارهای موهن سوءاستفاده می‌کنند. غلوهایی که تبلیغ می‌کنند به قول رهبرمان شمشیر دشمن را تیز می‌کنند. یک عده هم این ادعاها و نوارهای چنین مجالسی را دستاویز کرده مدعی می‌شوند که اینها از قرآن و دین و ... چنین دریافت نادرستی دارند. مثلا این داعشی‌ها که شیعه‌کشی می‌کنند همه‌اش به خاطر پول نیست برخی‌شان عقیده دارند، با دیدن نوار چنین مجالسی القامی‌کنند اینها دین درست و حسابی ندارند... چنین وهنیاتی هم دستاویزشان می‌شود که: هرچه باداباد / من حسین‌اللهی‌ام! یا این‌که برخی می‌گویند: ذوالجناح‌اللهی هستند!

مدارک و مستندات و احکام

واقعا ما مداح‌ها توجه داشته باشیم که سخن‌مان مستند باشد. غلو و اغراق نکنیم. مردم را به دینداری و تقوا سفارش کنیم و مانند برخی به مردم چراغ سبز گناه نشان ندهیم انگار هرکاری بخواهد می‌تواند انجام بدهد سپس با یک گریه‌ای در مجلس روضه، گناهانش آمرزیده می‌شود؛ به همین سادگی.

چنین خبرهایی نیست! بله اگر بیای در این مجالس متحول شوی و گریه کنی. امام باقر فرمود: به‌خدا سوگند که شیعه ما نیست کسی که تقوا نداشته باشد.

مداحی احکام دارد و باید احکام آن را یاد بگیریم. همین جور دیمی نیست! بله. سینه‌زدن ثواب دارد اما چه جور سینه بزنیم با هرآهنگی که نمی‌شود. شادی برای اهل بیت ثواب دارد اما آیا خط قرمز ندارد. احکام اینها را باید یادبگیریم وگرنه آن کسی که قمه می‌زند می‌گوید عزاداری می‌کند. یا طرف به زنجیرش میخ بسته و... همین‌ها را شبکه‌های خارجی بزرگنمایی می‌کنند که ببینید شیعه‌ها این هستند.

یکی مراعات وقت نماز است. احترام به حقوق مردم و پرهیز از ایجاد مزاحمت. توجه به نغمه‌ها، لحن‌ها و آهنگ‌ها. احترام به پیشکسوت‌ها. باید چنین نکاتی در مداحی مراعات شود.

روضه و موعظه

از طریق روضه‌ها و فضای مجلس و سخنرانی‌ها آن معرفت موکد در زیارت‌نامه‌ها و... شعور و معرفت منتقل می‌شد و فضای مجلس و مجلسیان مومن و مخلص، شعورافزایی داشت منتها برخی مجالس امروز فقط شده گریه و احساس.

این محرم که روضه می‌خوانم تاکید می‌کنم روضه هم موعظه است. مثلا روضه حضرت مسلم که خواندم گفتم اول موعظه‌اش را می‌گویم بعد روضه‌اش.

حضرت مسلم در بالای دارالعماره طلب آب کرد تا خواست بنوشد آب خون‌آلود شد. سخت تشنه بود اما نخورد گفت: حرام‌خوری نمی‌کنم. یعنی ای گریه‌کن حضرت مسلم، نجس‌نخور و حرام‌خور نباش. درس دیگر از روضه حضرت مسلم همان وصیت و سفارش‌شان برای فروش زره و ادای قرض‌شان است، زیرا حتی شهید اگر مدیون باشد، گرفتار می‌شود و همه گناهانش آمرزیده اما حق‌الناس خیر.

موعظه روضه ورود به کربلا. امام حسین تا به کربلا رسید، زمین آنجا را خرید تا بدنش در زمین غصبی دفن نشود. در روضه حر ببینید با همه بدی‌هایی که کرده بود تا پشیمان شد و خدمت امام آمد، آقا هرگز از سابق گلایه نکرد، فوری فرمود: إرفع رأسک، این درس حسینی است. اگر با شخصی کینه داری و طرف واقعا پشیمان است، کینه‌ها را به ویژه این روزها کنار بگذارید و آشتی کنید. این هم درس عاشورایی حر است.

پیامبر اکرم(ص) فرمود (جلد دوم کافی) اگر دو مسلمان قهر باشند سه روز بگذرد و بدون آشتی بمیرند، مسلمان نمی‌میرند. امام صادق(ع) فرمود: دو مرتبه می‌گوید ملعون است، یعنی از رحمت خدا به دور است کسی که طرفش پشیمان است و سر آشتی دارد اما او نمی‌پذیرد.

راهبرد

کربلا؛ آیینه عشق تپنده خدا

برپایی مجالس عزاداری اهل بیت در محرم و صفر، چنان مهم و محوری است که زنده ماندن اسلام ناب محمدی و راه راستین علوی از این رهگذر شدنی است. از این رو، پرواضح است که پیروان اسلام اموی به منحرف کردن و از معنا تهی ساختن این برپایی‌ها بپردازند، آن هم به اسم اسلام در جلد مسلمانی.

عنصر اصلی و روح‌بخش اسلام یعنی اهل بیت را هدف قراردادن با دامن زدن به شبهات کور و آشوب کردن ذهن مسلمانان مثلا حرکت اصلاحی و هدایتگر امام حسین را فرافکنانه با یک جریان فرهنگی مستمر و ادامه‌دار به دنیاخواهی و حکومت‌طلبی تعبیر کرده و می‌کنند. چنان که در طول تاریخ اسلام مشهود است برچسب زدن به راه راستین و روشنگر خاندان وحی هماره از سوی جبهه باطل با شکل و شیوه‌های تبلیغی مختلف دنبال شده است.

در این میان با دل آگاهی و دانش است که می‌توان به برپایی‌های محرم و صفر روشنی بخشید و از روشنی هدایتگر این مجالس در مسیر ایمان خود چراغی افروخت که هرگز خاموش نشود، به عبارتی رسیدن به آن معرفت ناب درباره امام‌حسین که پیامبر تاکید فرمودند(مضمون: در دل‌ها از عشق حسین و به عشق ایشان آتشی آرامش‌بخش تا قیامت فروزان است).

راه‌های دریافت این معرفت خداپسندانه و هدایت‌بخش، ویژگی‌های چنین معرفتی و روش‌های تقویتش در گفت‌وشنودهای جام‌جم با اهل منبر، دانشوران، مداحان و خطیبان پی‌گرفته خواهدشد. این‌که مدح و ستایش اهل‌بیت باید چگونه باشد، چه خط قرمزهایی دارد و اهمیتش تا کجاست و چرا دشمنان تشیع و راه حقه اهل‌بیت این همه درباره مداحی برنامه‌ریزی و کوشش دارند تا از محتوا و تاثیرگذاریش بکاهند. با ایجاد کژبینی و کژگرایی و نفوذ خرافات می‌کوشند راه‌های گزندزدن و آسیب رساندن به این حرکت روح‌پرور و رستگارانه را بازکنند.

زنده ماندن اسلام و طراوت و سرسبزی جاودان درخت توحید و کلمات الهی(به فرمایش قرآن) به برکت خون سرخ حسین و یارانش است و این حقیقت را دشمنان دین حقه ما به همان روشنی و وضوحی می‌شناسند و می‌دانند که ما باور داریم. اصلاح امر دین نه فقط یک حرکت تاریخی، بلکه حرکتی همیشگی و دائمی است. راهکارهای این مهم در جهان امروز چه می‌تواند باشد و بزرگان و سرشناسان مبلغ اهل‌بیت در این مورد چه وظایفی دارند و چه بایدها و نبایدهایی را باید پاس بدارند. معیار ارزش و ارزندگی عزاداری‌ها چیست و... پاسخ چنین پرسش‌هایی را می‌توانید در روند گفت‌وگوهای جام‌جم از نظر بگذرانید.

کیست در این انجمن، محرم عشق غیور/ ما همه بی‌غیرتیم آینه در کربلاست.
(بیدل دهلوی)

نگاه

بررسی چند شعر عاشورایی

تاوان این خون تاقیامت ماند برما

نکته: در این فراز بر آنیم به شعرهایی بپردازیم که در گستره اشعار عاشورایی جایگاه ویژه دارند و به دلایل ماندگاری‌شان بیندیشیم و نارسایی‌ها و برخی کژگرایی‌هایی را که در نگاه برخی اشعار عاشورایی رخنه کرده، بررسی کنیم.

آن‌قدر آگاهی داریم که دیگر زبان را ابزار نمی‌دانیم و به روشنی دریافته‌ایم که زبان نه تنها ابزار بیانگری عقیده نیست بلکه عقیده‌ساز است. این زبان است که ما را می‌سازد و جهان‌بینی‌مان را شکل می‌دهد (ساپیر-وورف). شعر محتشم از مشهورترین سروده‌های عاشورایی است. سرشار شور و احساس اما می‌گردیم ببینیم آیا از آن اندیشه و شعوری که نسل پرسشگر و کنجکاو و معاصر در پی آن است، در این ترکیب‌بند غرا نشانی هست یا نه؟

بنا به ناگزیری‌های زمانه که دوران غلبه اخباریگری بود، همچنین کلان‌روایت غالب در گفتمان رایج جامعه در روزگار صفویه، همین نگاه اخباریون به اندیشه دینی به ویژه باعث شد اندیشگری دینی در سایه احادیث تا اندازه زیادی رنگ ببازد، حتی قرآن را تنها با مراجعه به احادیث تفسیر می‌کردند و این کار را افضلیتی آنچنانی می‌شمردند. این نگاه اخباری چنان بر شعر مشهور محتشم سایه سنگینی انداخته در پایان سخن نمی‌تواند آن حادثه بزرگ را تبیین درستی بکند و درباره‌اش نگرش درستی به دست دهد. به‌ویژه که این نحله جهان‌بینی یعنی اخباریگری از سوی دولت صفوی تبلیغ و تشویق می‌شد، از سویی باعث انسداد ذهن جامعه و کم کم خوابیدن شور اندیشگری شد تا جایی که ذهن جامعه چنان سترون گردید و خشکید که...

محتشم فقط یک راوی شوریده و دلسوخته است و سرآخر این حادثه را با انفعال بسیار! (که این فترت و جمود، متاسفانه، روح زمانه او و زمان‌های پس از او شد) چرخ فلک را مسبب حادثه عاشورا می‌شمرد و بس!

از سوی دیگر در سپهر تجددگرای معاصر که رگه‌های برخاستن و نواندیشی با انقلاب تپنده کشورمان جان دیگری گرفت، به روشنی جریان دیگری از کنش و منش زبانی را در آفرینشگری‌های سخنوران پدید آورد.

شاهدیم علی معلم دامغانی از زاویه‌ای به عاشورا می‌پردازد که بیشتر به زبان حال توابین می‌ماند (گروه علویان کوفه که از یاری نکردن امام پشیمان شدند و قیام کردند) و نسبت کمتری با کربلاییان و همگرایی با نگرش آن عاشقان خدا دارد!

همچنان که سید گرمارودی در شعر سپیدی که با وجود جنبه‌های بیانگرانه و صریحش همچنان توانسته جوهره شعریتش را به پیش ببرد و تا انتهای سروده، خواننده را با سخنش همراه کند، به سرایشی شیعه‌پسند و خردپذیر و انسانی از آن ابرحادثه تاریخ‌ساز می‌رسد هرچند در سرودن و زبان شعرش زیادی وامدار زبانِ آرکائیک و باستان‌گرای بامدادِ شاعر است و هرگز نتوانست از زیر سلطه و سایه زبانی شاملو بر زبان شعر و بیانگری‌اش رها شود و به زبانی ناب و ویژه خودش برسد.

برگردیم به شعر علی معلم که با «براعت استهلال» درخور و با آفرین به ناگهان خواننده را به دل ماجرایی صعب و خونین پرتاب می‌کند:

روزی که در جام شفق مل کرد خورشید / برخشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید / شید و شفق را چون صدف در آب دیدم / خورشید را بر نیزه گویی خواب دیدم / خورشید را بر نیزه؟ آری اینچنین است / خورشید را بر نیزه دیدن سهمگین است / بر صخره از سیب زنخ، برمی‌توان دید / خورشید را بر نیزه! کمتر می‌توان دید...

او از واقعه‌ای شگفت سخن می‌گوید که از عجایب کمتر دیده‌شده است: شاید خاراسنگ به ناگاه تبدیل شود به سیب، آن هم سیب سرخی که برگونه زیباروی می‌درخشد! اما این‌که خورشید از چوب خشکیده نیزه گل بکند! از عجایب غرایبی است نبوده و ندیده!

روایت سفرآیینی معلم دامغانی، این قلم را به یاد شعر سفر سلمان استاد عارف، مرحومه دکتر طاهره صفارزاده انداخت در آنجا او واقعا از سفری آفاقی انفسی آن هم با زبان شعری خاصی می‌گوید که بر شاعران بسیاری پس از او تاثیرگذاشت و پیروان زبانی فراوانی را نمک‌گیر زبان شاعرانه‌اش کرد.

ولی علی معلم به کربلای حسینی که می‌رسد یک روایتگر بیرونی است و در متن ماجرا نیست و از دور هم دستی بر آتش ندارد و همین شعرش را با همه تازگی از نگرش شیعه جدا می‌سازد بیشتر زبان‌حال یک جامانده حسرت‌زده است تا شیعه‌ای آماده و جان برکف و منتظر ظهور منتقم آل محمد(ص).

